



## نظارت بر قدرت در فقه میامسی

سید سجاد ایزدهی



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

www.ketab.ir



## نظارت بر قدرت در فقه سیاسی

سید سجاد ایزدهی

- ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- تهیه: پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی
- ویراستار: سیدحمید مشتاقی نیا
- لیتوگرافی و چاپ: باقری
- چاپ اول: تابستان ۱۳۸۷
- شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه
- قیمت: ۳۲۰۰ تومان
- عنوان: ۸۰؛ مسلسل: ۱۱۲

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: قم، خیابان شهداء (صفائیه)، کوچه آمار، پلاک ۲۲

تلفن و دورنگار: ۷۸۳۲۸۳۳. پخش: قم ۷۸۳۲۸۳۴؛ تهران ۵-۰۳۰۲-۸۸۹۴۰۳۰۲

ص.ب: ۳۷۱۸۵/۲۸۵۸ - کدپستی: ۱۶۴۳۹-۳۷۱۵۶

وب سایت: [www.isca.ac.ir](http://www.isca.ac.ir)

پست الکترونیک: [nashr@isca.ac.ir](mailto:nashr@isca.ac.ir)

ایزدهی، سجاد، ۱۳۴۹ -

نظارت بر قدرت در فقه سیاسی / سید سجاد ایزدهی، [تهیه و تدوین] پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - قم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.

ص. ۳۲۰

۳۲۰۰ ریال:

ISBN:978-964-2636-79-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص [۲۸۶] - ۲۹۸؛ همچنین بصورت زیر نویس.

نمایه.

۱. اسلام و سیاست. ۲. اسلام و دولت. ۳. علوم سیاسی (فقه). الف. دفتر تبلیغات

اسلامی حوزه علمیه قم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. پژوهشکده علوم و اندیشه

سیاسی. ب. عنوان.

۲۹۷/۲۸۳۲

BP ۳۳۱/الف ۰۶

۱۳۸۷



## فهرست

۱۳	.....	سخنی یا خواننده
۱۶	.....	مقدمه

### بخش اول: کلیات

۲۳	.....	نکته
۲۴	.....	۱. مفاهیم
۲۴	.....	۱-۱. نظارت
۲۴	.....	الف) معنای لغوی
۲۵	.....	ب) معنای اصطلاحی
۲۷	.....	۲-۱. کنترل
۲۸	.....	۳-۱. ارزیابی
۲۸	.....	۴-۱. قدرت
۳۱	.....	۵-۱. اقتدار
۳۴	.....	۶-۱. فقه سیاسی
۳۶	.....	۲. مصادیق نظارت
۳۷	.....	۱-۲. نظارت استطلاعی
۳۹	.....	۲-۲. نظارت استصوابی
۴۰	.....	۳-۲. نظارت ولایی

- ۴۳..... ۴-۲. نظرات مشروع، نظرات غیر مشروع
- ۴۴..... ۵-۲. نظرات مالی، سیاسی، شرعی، قانونی
- ۴۴..... ۳. میان‌ی و ادله نظرات
- ۴۶..... ۱-۳. کتاب
- ۵۰..... ۲-۳. سنت
- ۵۰..... ۱-۲-۳. سنت نبوی
- ۵۲..... ۲-۲-۳. سنت علوی
- ۵۴..... ۳-۳. عقل
- ۵۶..... ۴-۳. سیره عقلا
- ۵۷..... ۴. ملاک‌های نظرات

#### بخش دوم: نظرات در مرحله کسب قدرت

- ۶۱..... ۱. جعل اوصاف خاص برای حاکم
- ۶۲..... ۱-۱. علم و آگاهی به اسلام
- ۶۵..... ۲-۱. عدالت
- ۶۵..... ۱-۲-۱. مفهوم عدالت
- ۶۸..... ۲-۲-۱. ادله اعتبار اشتراط عدالت
- ۶۸..... الف) کتاب
- ۶۹..... ب) روایات
- ۷۰..... ج) سیره عملی
- ۷۱..... د) دلیل عقل
- ۷۳..... ۳-۲-۱. کارکردهای عدالت
- ۷۶..... ۳-۱. تقوا

۷۶	۱-۴. اوصاف دیگر
۷۹	۲. انتخاب کارگزار شایسته
۸۴	۳. بیعت
۸۹	۴. آرای عمومی
۹۰	۴-۱. اعتبار آرای عمومی در فقه شیعه
۹۰	۴-۱-۱. اعتبار آرای عمومی در تعیین حاکم
۹۱	الف) ولایت انتصابی فقیه
۹۵	ب) ولایت انتخابی فقیه
۹۸	ج) وکالت فقیه
۹۸	نتیجه
۱۰۱	۴-۲. اعتبار آرای عمومی در اداره امور جامعه
۱۰۱	۴-۳. اکثریت در قرآن

#### بخش سوم: نظارت در مرحله اعمال قدرت

۱۰۶	۱. اصل پاسخ‌گویی حاکم در برابر مردم
۱۰۹	بررسی و پاسخ
۱۱۰	۱-۱. بررسی مقدمات چندگانه پارادوکس نظارت و انتصاب
۱۱۰	مقدمه اول
۱۱۲	مقدمه دوم و سوم
۱۱۴	مقدمه چهارم
۱۱۴	مقدمه پنجم
۱۱۶	مقدمه ششم و هفتم
۱۱۶	مقدمه هشتم

- ۱۱۷.....مقدمه نهم
- ۱۱۸.....۲. نظارت درونی
- ۱۱۹.....۱-۲. ماهیت اخلاقی قدرت
- ۱۱۹.....۱. خیر بودن قدرت
- ۱۲۰.....۲. نه خیر و نه شر بودن قدرت
- ۱۲۰.....۳. شر محض بودن قدرت
- ۱۲۱.....۴. شر لازم بودن قدرت
- ۱۲۲.....۲-۲. ویژگی های نظارت درونی قدرت
- ۱۲۳.....۲-۳. ویژگی های نظارت بیرونی قدرت
- ۱۲۴.....۲-۴. نظارت درونی، مکمل نظارت بیرونی
- ۱۲۶.....۲-۵. راهکارهای نظارت درونی
- ۱۲۶.....محاسبه نفس (خودکنترلی)
- ۱۳۰.....۳. نظارت بیرونی
- ۱۳۰.....۳-۱. عناصر نظارتی قدیم
- ۱۳۰.....۳-۱-۱. شورا
- ۱۳۱.....۳-۱-۱-۱. ادله مشورت
- ۱۳۳.....۳-۱-۱-۲. موارد مشورت
- ۱۳۳.....الف) مشورت در حوزه تشریح و قانون گذاری
- ۱۳۵.....ب) مشورت در اداره امور جامعه
- ۱۳۶.....۳-۱-۱-۳. گردن نهادن به مفاد مشورت
- ۱۳۷.....الف) حاکمان معصوم
- ۱۴۱.....ب) حاکمان غیر معصوم
- ۱۴۵.....۳-۱-۲. امر به معروف و نهی از منکر

۱۴۸.....	۱-۲-۱. مراد از معروف و منکر
۱۵۰.....	۲-۲-۱. کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر
۱۵۱.....	۳-۲-۱. شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۱۵۱.....	الف) احتمال تأثیر
۱۵۷.....	ب) علم و آگاهی
۱۶۱.....	ج) قدرت
۱۶۲.....	۳-۱-۳. نصیحت
۱۶۷.....	۲-۳. عناصر نظارتی جدید
۱۶۷.....	۱-۲-۳. حزب
۱۶۸.....	۱-۱-۲-۳. شاخصه‌ها و عناصر حزب
۱۷۰.....	۲-۱-۲-۳. ادله موافقان
۱۷۰.....	اصل خطاپذیری
۱۷۱.....	الف) اصالت اباحه و جواز
۱۷۲.....	ب) مقدمه واجب
۱۷۳.....	ج) ملازمه حکم عقل و شرع
۱۷۴.....	د) اطلاعات ادله
۱۷۵.....	۳-۱-۲-۳. ادله مخالفان
۱۷۷.....	جمع‌بندی
۱۷۹.....	۲-۲-۳. مطبوعات
۱۸۲.....	۱-۲-۲-۳. ادله آزادی بیان و مطبوعات
۱۸۴.....	۲-۲-۳. محدوده آزادی مطبوعات
۱۸۶.....	۴. محدوده نظارت
۱۸۷.....	۱-۴. ادله حرمت دخالت در امور افراد

۱۴۸	..... ۱-۲-۱-۳. مراد از معروف و منکر
۱۵۰	..... ۲-۲-۱-۳. کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر
۱۵۱	..... ۳-۲-۱-۳. شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۱۵۱	..... الف) احتمال تأثیر
۱۵۷	..... ب) علم و آگاهی
۱۶۱	..... ج) قدرت
۱۶۲	..... ۳-۱-۳. نصیحت
۱۶۷	..... ۲-۳. عناصر نظارتی جدید
۱۶۷	..... ۱-۲-۳. حزب
۱۶۸	..... ۱-۱-۲-۳. شاخصه‌ها و عناصر حزب
۱۷۰	..... ۲-۱-۲-۳. ادله موافقان
۱۷۰	..... اصل خط‌پذیری
۱۷۱	..... الف) اصالت اباحه و جواز
۱۷۲	..... ب) مقدمه واجب
۱۷۳	..... ج) ملازمه حکم عقل و شرع
۱۷۴	..... د) اطلاعات ادله
۱۷۵	..... ۳-۱-۲-۳. ادله مخالفان
۱۷۷	..... جمع‌بندی
۱۷۹	..... ۲-۲-۳. مطبوعات
۱۸۲	..... ۱-۲-۲-۳. ادله آزادی بیان و مطبوعات
۱۸۴	..... ۲-۲-۲-۳. محدوده آزادی مطبوعات
۱۸۶	..... ۴. محدوده نظارت
۱۸۷	..... ۱-۴. ادله حرمت دخالت در امور افراد



بخش چهارم: نظارت در مرحله توزیع قدرت

۱. اصل تفکیک قوا ..... ۱۹۲
- ۱-۱. نظریه‌هایی در باب تفکیک قوا ..... ۱۹۶
- ۱-۱-۱. تفکیک عمودی قوا ..... ۱۹۶
- ۱-۱-۲. تفکیک افقی قوا ..... ۱۹۷
- ۱-۱-۳. تفکیک مطلق قوا ..... ۱۹۷
- ۱-۱-۴. تفکیک نسبی قوا ..... ۱۹۷
- ۱-۱-۵. نظریه نهاد برتر ..... ۱۹۸
- ۱-۱-۶. نظریه استقلال قوا ..... ۱۹۸
- ۲-۱. تفکیک قوا در نظام سیاسی شیعه ..... ۱۹۹
- ۳-۱. تفکیک قوا در فقه ..... ۲۰۰
- ۴-۱. سابقه تفکیک قوا در فقه شیعه ..... ۲۰۵
۲. نظارت بر کارگزاران (قوه مجریه) ..... ۲۰۹
- ۱-۲. نظارت حکومت بر کارگزاران ..... ۲۰۹
- ۱-۲-۱. عوامل نظارتی ..... ۲۱۰
- ۱-۲-۱-۱. حسیه ..... ۲۱۰
- الف) مفهوم ..... ۲۱۰
- ب) محدوده امور حسیه ..... ۲۱۲
- ۲-۲. راهکارهای نظارتی ..... ۲۱۶
- ۱-۲-۲. مراقبت ..... ۲۱۶
- ۲-۲-۲. نظارت آشکار ..... ۲۱۶
- ۳-۲-۲. نظارت پنهان ..... ۲۱۷

۲۲۰	..... تشویق و تنبیه	۴-۲-۲
۲۲۴	..... نظارت مردم بر کارگزاران	۵-۲-۲
۲۲۵	..... الف) نظارت مستقیم مردم	
۲۲۸	..... ب) نظارت به واسطه نمایندگان	
۲۳۰	..... ۳. قوه مقننه	
۲۳۰	..... ۱-۳. قوه مقننه در فقه شیعه	
۲۳۲	..... ۲-۳. نظارت بر قانون‌گذاری	
۲۳۴	..... ۳-۳. مصونیت پارلمانی نمایندگان	
۲۳۵	..... ۱-۳-۳. مصونیت پارلمانی در فقه	
۲۳۵	..... ۱-۳-۳. ادله اصل مصونیت	
۲۳۶	..... الف) تظلم و دادخواهی	
۲۳۸	..... ب) ادله نظارت	
۲۴۱	..... ۴. قوه قضاییه	
۲۴۳	..... ۱-۴. نظارت بر عمل کرد قضات	
۲۴۳	..... الف) اشتراط اوصاف خاص	
۲۴۷	..... ب) رعایت آداب قضاوت	
۲۴۸	..... ج) توصیه‌های اخلاقی	
۲۴۹	..... د) اعمال پیش‌گیرانه	
۲۵۰	..... ۴-۲. استقلال قاضی	

بخش پنجم: نظارت در مرحله گردش قدرت

۲۵۵	..... ۱. حاکم
۲۵۶	..... الف) ولایت انتصابی فقیه

- ۲۶۱ ..... (ب) ولایت انتخابی فقیه
- ۲۶۲ ..... ولایت انتصابی و انتخابی و محدودیت زمان ولایت
- ۲۶۹ ..... ۱-۱. شرایط رهبری، واقعی است یا علمی
- ۲۷۲ ..... ۲-۱. نظارت در مرحله گردش بر اساس قانون
- ۲۷۵ ..... ۲. کارگزاران
- ۲۸۰ ..... ۱-۲. عزل کارگزاران یا مرگ حاکم
- ۲۸۳ ..... خاتمه

## سخنی با خواننده

بیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، نویدبخش حضور فعال دین در عرصه‌های سیاسی اجتماعی بود. این ایده، در سطح ملی ترسیم‌کننده هویت دینی - ملی و حیات سیاسی - اجتماعی ایرانیان و در سطح فراملی، تبیین‌کننده ضرورت بازسازی تمدن اسلامی و اعاده هویت و عزت به مسلمانان در دوران معاصر بود. ترسیم هویت دینی - ملی و تلاش برای بازسازی تمدن اسلامی، پرسش‌های جدیدی را در دو سطح مذکور به وجود آورد که تاکنون منابع دینی و دین‌داران در عرصه علوم و مراکز علمی با آن به طور جدی مواجه نشده بودند. پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها و معضله‌ها، بی‌تردید نیازمند بازنگری در مبانی و بینش حاکم بر علوم رایج انسانی و اجتماعی در کنار بازگشتی روش‌مند و نقادانه به سنت فکری است. این بازنگری ضمن فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از توان‌مندی‌های سنت و دانش سنتی، امکان استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علوم جدید در دوران معاصر را به ارمغان می‌آورد. بنابراین، وظایف مراکز علمی و پژوهشی در جمهوری اسلامی، بسی سنگین است. این مراکز از سویی، رسالت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و معضله‌های فکری را برعهده دارند و از طرف دیگر باید، به فرهنگ‌سازی و تولید فکر و اندیشه به‌عنوان عناصر و لوازم اصلی نوسازی تمدن اسلامی اولویت دهند.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی نیز با تلاش در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و معضله‌های فکری مربوط به حوزه پژوهشی خود و فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای با‌تولید فرهنگ سیاسی - دینی، متناسب با مقتضیات زمان و مکان و ارائه دانش سیاسی مبتنی بر منابع اسلامی، هویت‌شناسی و هویت‌سازی در زمینه فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و علوم سیاسی را به‌عنوان مهم‌ترین اهداف خود دنبال می‌کند. این پژوهشکده با فراهم کردن زمینه رشد نیروی انسانی در عرصه پژوهش‌های سیاسی با رویکردهای فلسفی، فقهی و علمی، تلاش می‌کند در جهت عزم و اراده ملی برای بازسازی تمدن اسلامی گام بردارد.

اثر حاضر محصول تلاش فکری پژوهش‌گر فرهیخته حجت‌الاسلام سید سجاد ایزدهی و با هدف تبیین مبانی فقه سیاسی شیعه در خصوص نظارت بر قدرت سیاسی نگارش یافته و گامی اساسی در باب شناخت دیدگاه‌های فقه شیعه در حوزه حکومت و نظارت‌مندی ارکان آن محسوب می‌شود. تبیین مبانی نظری این بحث، پاسخی به پرسش‌های مطرح شده در این باب بوده و راهگشای حاکمیت دینی در عرصه عمل در حوزه نظارت بر قدرت می‌باشد.

بی‌تردید، اجرای این پژوهش و غنای علمی آن مدیون تلاش‌های ارزنده مدیر محترم گروه فقه سیاسی جناب حجة الاسلام دکتر منصور میراحمدی، ارزیابان محترم آقایان حجة الاسلام محسن مهاجرنیا، دکتر سیدصادق حقیقت و متصدیان اجرایی پژوهشکده، به‌ویژه مدیر محترم امور پژوهشی آقای رجبعلی اسفندیار می‌باشد که جا دارد از زحمات و تلاش‌های آنان قدردانی به‌عمل آید.

همچنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای احمد مبلغی و قائم‌مقام محترم پژوهشگاه جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای محمدحسن نجفی تشکر می‌کنم که بدون حمایت‌ها و مساعدت‌های بی‌دریغ و مؤثرشان پژوهش حاضر به سرانجام نمی‌رسید.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، در راستای ترویج و گسترش علم و دانش، آثار خود را در اختیار جامعه علمی قرار داده، پیشاپیش از انتقادهای پیشنهادهای علمی همه استادان، صاحب نظران و پژوهشگران محترم استقبال می کند. امید است این فعالیتها موجبات رشد و پویایی فرهنگ سیاسی - دینی و زمینه های گسترش اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

دکتر نجف لکزایی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

www.ketab.ir

## مقدمه

فساد و سوءاستفاده صاحبان قدرت از امکانات و اختیاراتی که در دست دارند و روی آوردن آنها به استبداد، ظلم، ستم، مال اندوزی و... از مسائلی است که از دیر باز، فکر اندیشمندان را به خود مشغول داشته است. آنان از یک سو به این می‌اندیشیدند که اساس حکومت و دولت مرکزی که به اداره امور مردم مشغول باشد؛ از ضروریات یک جامعه بوده و جامعه بدون حکومت به هرج و مرج انجامیده، امنیت از آن رخت برمی‌بندد و این امر مستلزم مفساد و زیان‌های بی‌شمار و آسیب‌های زیاد به همه اقشار جامعه می‌شود؛ از سوی دیگر حکومت به صاحبان قدرت، این توانایی را اعطا می‌کند که اراده خود را بر مردم اعمال نموده و عمل کرد آنان را به سمت و سویی خاص، هدایت نمایند. این امر از آن روست که حاکمان، در مقام اعمال قدرت، با گزینه‌هایی مواجه‌اند که ممکن است از توجیه عقلی، منطقی و دینی برخوردار نباشند و امکان انجام اعمال هوس‌مندانه برای آنها در هر زمان وجود دارد؛ زیرا قدرت و امکانات، انسان را در خطر لغزش قرار داده و به فساد رهنمون می‌سازد<sup>۱</sup> و هرچه محدوده این قدرت و اختیارات بیشتر باشد، خطر لغزش و سقوط بیشتر خواهد شد. البته این امر برخلاف نظر برخی بدین معنا نیست که قدرت با فساد همراه و ملازم بوده و هر قدرتی ذاتاً فسادآور می‌باشد.

۱. من ملک إستانتر. هر که فرمانر او شود، به استبداد گراید. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۲.

«قدرت به سوی فساد روی دارد و قدرت مطلق به سوی فساد مطلق است».<sup>۱</sup> این سخن را نمی‌توان به صورت مطلق پذیرفت، مگر آن که گفته شود؛ اگر قدرت در دست افرادی قرار بگیرد که از اخلاق و وجدان سالم برخوردار نباشند، آنان را به سوءاستفاده، فساد و استبداد و تکاثر می‌کشاند و هرچه این امکانات و قدرت بیشتر و اوصاف اخلاقی در صاحبان قدرت کمتر باشد و نظارتی بر آنها وجود نداشته باشد، درصد طغیان و سرکشی در این افراد بیشتر خواهد شد. به بیان دیگر می‌توان گفت افرادی که حاکم و مدیر ارشد در حکومت‌ها محسوب می‌شوند اگر مانند افراد عادی از اوصاف برابری هم بهره‌مند باشند در معرض خطر انحراف و فساد بیشتری قرار دارند و این از آن‌جایی می‌شود که در اختیار داشتن امکانات وسیع، احتمال و توانایی سوءاستفاده بیشتری را فراهم می‌کند. مشاهده حاکمان و صاحبان قدرت در طول تاریخ نیز بر این قضیه مهر تأیید می‌زند؛ چه آن که افراد بسیاری در تاریخ وجود دارند که تا قبل از تصدی حاکمیت بر مردم از فساد به دور بوده، اما به مجرد این‌که صاحب قدرت شدند دست به طغیان زده و به فساد و تباهی روی آوردند.

اندیشمندان از زمان‌های دور در این فکر بودند که چگونه می‌توان در عین داشتن یک حکومت برای اداره جامعه، از مفاسد و معایب قدرت‌های خودکامه به‌دور باشند؛ از این‌رو نظام‌های سیاسی برای مصون ماندن از دیکتاتوری، خودکامگی و سوءاستفاده حاکمان از مقام و منصب، در صدد یافتن سازوکاری بودند که به کمک آن، بتوان با نظارت بر حاکمان، قدرت آنها را به گونه‌ای مهار نمود که به افسارگسیختگی منجر نشود. این نظارت، نه فقط برای جلوگیری از فساد، بلکه به منظور هدایت حاکمان در پاسداری از هنجارهای مورد پذیرش

۱. س. ک. یونگ، فرد در جامعه‌های امروزی، ترجمه مهدی قائمی، ص ۲۵، سخن و پیام بیت.



جامعه و کارآمد کردن نظام سیاسی و حکومتی در راستای عدالت، رفاه و برابری اجتماعی، مورد تأکید فرهیختگان هر عصر قرار داشته است. بدیهی است که هر چه حاکمان، فرهیخته‌تر، باتقواتر و با درایت‌تر بوده و سیستم نظارتی فعال‌تر و کارآمدتر باشد، جامعه به سمت بهتر شدن حرکت کرده و دست یازیدن به آرمان‌های مطلوب، سرعت خواهد گرفت.

از لحاظ تاریخی، تأکید جوامع غربی به امر نظارت، به تجربه تلخ این جوامع از حاکمان قرون وسطا برمی‌گردد. در آن زمان، حکومت‌های خودکامه در لوای حمایت کلیسا، خود را جانشینان خدا در زمین خوانده، بر مردم حکم می‌راندند، از این رو هیچ‌گاه خود را در مقابل مردم پاسخ‌گو نمی‌دانستند. اربابان کلیسا نیز بر این قضیه دامن زده و عدم نظارت بر اعمال آنها را توجیه می‌کردند. توجیهاات اربابان کلیسا که به حکومت آن حاکمان مشروعیت بخشیده و آنان را از نظارت مستثنا می‌نمود، بسیار بوده که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

سنت پولس از بزرگان دین مسیحیت بر نظارت‌ناپذیری اعمال حاکمان تأکید و پذیرش اعمال ناعادلانه آنها را نیز امری لازم می‌داند:

پرهیزگاری و شرارت یک حاکم دخالتی در احترام او ندارد؛ زیرا در هر حال یک زمام‌دار، واجب‌الاحترام است و وجود یک زمام‌دار بد، مجازات گناهان مردم است که از سوی خدا مقرر شده است و باید از زمام‌دار بد هم اطاعت نمود.<sup>۱</sup>

برخی دیگر از اندیشمندان غرب نیز در این راستا، حاکمان را در رتبه‌ای بالاتر از آن می‌دانند که لازم باشد رضایت مردم را کسب نمایند:

همان‌گونه که خداوند نظر مشورتی و یا توافق و رضایت مدارج پایین خلقت را جویا نیست پادشاهان اصیل و واقعی نیز نباید به دنبال کسب

۱. بهاء‌الدین بازارگاد، تاریخ فلسفه سیاسی، ج ۱، ص ۲۶۱.

رضایت و موافقت اتباع خود باشند.<sup>۱</sup>

بوسونه، روحانی و نویسنده قرن هفدهم فرانسه نیز در کتاب «سیاست، برگرفته از عین کتاب مقدس» هر مطلبی که می‌توانست اقتدار پادشاه فرانسه را توجیه کند، از تورات جمع‌آوری کرده و برای بخش نخست کتاب چهارم خود این عنوان را برگزید: «شهریاران نباید به هیچ‌کس درباره آن‌چه که فرمان می‌دهند، توضیح دهند».<sup>۲</sup>

از این‌رو در سده‌های اخیر، نظریه توزیع قدرت به عنوان یکی از راه‌های مهار قدرت توسط منتسکیو مطرح شده و در دموکراسی‌های غربی به عنوان روش کنترل و مهار قدرت موردپسند و عمل قرار گرفت. این نظریه که در قالب تفکیک قوا در دموکراسی‌های غربی خودنمایی نمود، در صدد بود که از قدرت سیاسی، تمرکز زدایی نموده و با تأکید بر توزیع قوای سیاسی میان قوای مجریه، مقننه و قضاییه، قدرت را از یک فرد به سه قوه که در عرض یکدیگر قرار دارند تقسیم نماید تا هرکدام از قدرت‌ها بر یکدیگر نظارت کرده و قدرت قوه دیگر را کنترل نمایند.<sup>۳</sup> منتسکیو در مورد فلسفه نظریه تفکیک قوا، این‌طور اظهار نظر کرده است:

تجارب ممتد به ما نشان می‌دهد که هر شخص صاحب قدرتی میل دارد از قدرت خود سوء استفاده کند. و تا جایی که می‌تواند، حیطة اقتدار خویش را گسترش دهد... برای جلوگیری از این سوءاستفاده ضرورت دارد که قدرت را با قدرت کنترل کرد.<sup>۴</sup>

ناگفته پیداست که بحث از نظارت شدید بر حاکمان که در قالب نظریه «تفکیک قوا» نمود یافت، معلول شرایط حاکمان عصر قرون وسطا و عمل کرد آنان بوده و

۱. اندرو وینست، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، ص ۸۰.

۲. گویللمور فررو، حاکمیت فرشتگان محافظ مدنیت، ترجمه عباس آگاهی، ص ۱۹۶.

۳. ر.ک. منتسکیو، روح القوانين، ترجمه علی‌اکبر مهدی، چاپ هشتم، ۱۳۶۲.

۴. همان، ص ۶۹.

در آن بستر متولد شد. این در حالی است که دین اسلام و نظام سیاسی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی اگرچه از آغاز، مشروعیت حکومت را در گرو حقانیت و انتصاب الهی حاکم می‌دانست؛ اما در عین حال حاکم را فوق نظارت نینداشته و وی را در قبال عمل‌کردش مسئول دانسته است. این قضیه در قالب مؤلفه‌هایی چون امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت به ائمهٔ مسلمین، انتقاد و ... ظهور یافته است. علاوه بر آن، در نظام سیاسی مبتنی بر آموزه‌های شیعی، حاکم باید حائز اوصافی باشد که وی را از هرگونه فساد، سودجویی، خودکامگی و قدرت‌طلبی باز دارد. از این رو بحث از مقوله تفکیک قوا که در نظام‌های خودکامهٔ قرون وسطا و در راستای نظارت و تحدید قدرت شکل گرفته بود، در بستر تاریخی نظام سیاسی شیعه، موضوع نداشته است.

اگرچه در مقاطعی از صدر اسلام، حاکمان خود را از خطا مصون ندانسته و به‌طور معمول در قبال مردم، پاسخگو بودند، اما این قضیه چندان به طول نینجامید و حاکمان سرزمین اسلامی که نام مسلمان را نیز بر خود می‌نهادند، به تدریج از اسلام اصیل دور گشته و به فساد، تکاثر و قدرت‌طلبی روی آوردند. آنان خود را در قبال مردم پاسخگو ندانسته و تنها مردم را مکلف به اطاعت می‌پنداشتند.

برخی از آنها با القای این نکته که نه خلیفهٔ مردم، بلکه خلیفهٔ خداوندند، خود را برتر از پیامبر ﷺ و مستثنای از هرگونه نظارت و پاسخ‌گویی در قبال مردم می‌دانستند؛ به گونه‌ای که حجاج بن یوسف ثقفی که سال‌ها از طرف عبدالملک بن مروان، والی کوفه بود، عبدالملک را خلیفهٔ خدا دانسته و این‌گونه بر مرتبت و مقام او استدلال می‌کرد که: «خلیفه و جانشین شخص، مقامش بالاتر است یا رسول و فرستاده او؟»<sup>۱</sup> القای این نظریهٔ فاسد، از زمان معاویه بن ابی سفیان شروع شد به گونه‌ای که از آن زمان، با ارائهٔ منطقی که براساس آن، حاکم (لا یسأل عما یفعل)

۱. علی بن الحسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۱۵۱-۱۵۵.

بوده و نیازی به پاسخ‌گویی ندارد. خسارت‌های فراوانی بر بیکر اسلام و مسلمانان وارد گردید.

در این میان، شیعه که در بیشتر ادوار عصر غیبت امام زمان (عج) در حال تقیه به سر می‌برد، نه تنها بر اریکه حکومت تکیه زده بود، بلکه به خاطر علل و شرایط خاص این عصر، نمی‌توانست صحبتی از نظام آرمانی خود به میان آورد و بالطبع، بحث از نظام و راهکارهای نظارت بر حاکم نیز در این فضا غیرممکن به نظر می‌رسید، از این رو فقه شیعه که در این دوران، شکل یافته و تدوین شده است، خالی از مباحثی مدوّن در مورد راهکارهای نظارتی نسبت به قدرت سیاسی است. بنابراین نپرداختن فقها به این مسائل در ابواب فقه، نه در گرو قصور و یا تقصیر آنان، بلکه به خاطر شرایط خاص اجتماعی دورانی بود که به اقتضای آن اندیشمندان حوزه فقاقت، قادر به بحث از این امور نبودند.

با توجه به این که مقوله نظارت بر قدرت - به مفهوم عام آن، که شامل حوزه مفاهیمی چون مهار، کنترل و تحدید قدرت می‌شود - از اساس در حوزه فقه سیاسی شیعه مورد اهتمام بوده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت نظام سیاسی شیعه از اهمیت مضاعف برخوردار شده است، این تحقیق در صدد ارائه دیدگاه فقه شیعه در مورد مقوله نظارت بر قدرت سیاسی و حاکمان و صاحب منصبان بوده و جدا از بحث مفهوم‌شناسی، ادله فقه سیاسی را در این مورد ارائه کرده و روش‌ها، راهکارها و نظرات فقه شیعه را در حوزه‌های چهارگانه کسب قدرت، اعمال قدرت، توزیع قدرت و در نهایت گردش قدرت به تحقیق در آورده است.